

سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و نحوه حمایت از اقشار کم‌درآمد

از نشریه

FINANCE & DEVELOPMENT
SEPTEMBER 1990

ترجمه: داوود حقیقی

از دهه ۱۹۸۰ این واقعیت که رشد و اصلاحات منظم اقتصادی برای توفیق هر نوع کوشش در جهت کاهش بار فقر ضروریست، به نحو روزافزونی آشکار شده است. به همین جهت صندوق بین‌المللی پول^(۱)، به ویژه از سال ۱۹۸۶، توجه بیشتری به آثار برنامه‌های تعدیل اقتصادی خود بر فقرا و ناداران مبذول داشته است. در این راستا صندوق سعی داشته است که با یاری دادن به کشورها در زمینه طراحی برنامه‌های اصلاحات اقتصادی در عین به حداقل رسانیدن عواقب نامطلوب پارهای از سیاست‌های اصلاحی بر فقیرترین اقشار، رشد مداومی را نیز در کشورهای موضوع برنامه‌های تعدیل اوضاع اقتصادی فراهم آورده. در این میان این باور نیز نزد سیاست‌گذاران کشورهای عضو قوت می‌گیرد که میزان اثربخشی هر نوع برنامه‌ریزی اقتصادی، با هدف معقق ساختن اصلاحات ساختاری و رشد مستمر، به میزان وسیعی بر پذیرش اجتماعی آن برنامه‌ها متکی است. مقاله حاضر تجربیات حاصله از طراحی بیش از ۵۰ برنامه تحت حمایت صندوق بین‌المللی پول را در زمینه‌های اعطای تسهیلات مالی جهت اصلاحات ساختاری در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به صورت خلاصه بیان می‌دارد.

هدف اساسی از برنامه‌های اصلاحی تحت حمایت صندوق را می‌توان برقراری توازن بین تقاضای داخلی با منابع قابل دسترسی در کوتاه مدت و هموار کردن راه فعالیت اقتصادی توأم با رشد و کارآئی به همراه قیمت‌های تثبیت یافته را در میان مدت بیان کرد.

باز یافت شرایط موازنه مالی داخلی و خارجی، علاوه بر اقدامات دیگر، احتمالاً مستلزم افزودن بر نرخ‌های مالیاتی و کاهش هزینه‌ها به عنوان بخشی از مجموعه سیاست‌های اصلاحی می‌باشد. به علاوه اینکه، به منظور ایجاد تغییرات در قیمت‌های نسبی به نفع کالای قابل صدور، ممکن است اتخاذ سیاست‌های اجرایی دیگر نظیر کاهش ارزش برابری پول^(۲) در مقابل ارزهای خارجی نیز ضرورت یابد، در عین حال که این گونه سیاست‌ها در بسیاری از کشورها ممکن

است آثار مثبتی را بر فقیرترین اقشار جامعه دربر داشته باشد، لیکن این احتمال نیز وجود دارد که بدلیل ترقی قیمت‌های کالای مصرفی، درآمد واقعی^(۳) گروه‌های اجتماعی خاص نیز تنزل یابد.

کاهش اینچنینی در درآمد واقعی، به ویژه بر گروه‌های فقیرتر جامعه که به چتر حمایتی فراهم شده دسترسی نداشته و یسا دسترسی اندک دارند، آسیب می‌رساند. در نتیجه، در حال حاضر در بسیاری از برنامه‌های تعدیل اقتصادی مورد حمایت صندوق در نظر است که اقداماتی به منظور تعدیل یا مرتفع ساختن کامل نتایج کوتاه مدت نامطلوب این برنامه‌ها بر گروه‌های مورد نظر گنجانیده شود.

لازم به تاکید است که به هر تقدیر کوتاهی یا عدم توفیق در تحقق اصلاحات اقتصادی نیز پیامدهای بسیار ناگوارتری را برای اقشار فقیر در بر خواهد داشت و آنان بالاچار تمامی بار ناشی از نرخ بالای تورم و کنترل‌های گسترده بر قیمت‌ها را به دوش خواهند کشید.

به علاوه شایان ذکر است که هر چند صندوق کشورهای عضو را در طراحی چهارچوب‌های مناسب اقتصاد کلان یاری می‌دهد، معهذاً گزینش راه کارها و طبعاً پذیرش نتایج اجتماعی آنها- که در فرآیند انجام اصلاحات گریزناپذیر است- به عهده خود کشورهاست.

چه می‌توان کرد؟

بنا بر تعریف واژه فقرا شامل گروه‌هایی از خانوارها می‌شود که در رده‌های زیرین طبقه‌بندی‌های درآمد و هزینه در هر کشور قرار دارند. در عین حال احتمالاً پیامدهای ناشی از برنامه‌های اصلاحات اقتصادی بر گروه‌های آسیب‌پذیر نیز یکسان نخواهد بود. برای مثال افزایش بر قیمت کالاهای قابل مبادله^(۴) (قابل صدور) از طریق افزایش درآمد روستاییان به بهبود وضعیت آنان کمک می‌کند، لیکن در مقابل به جهت کاهش قدرت خرید شهرنشینان بر دشواری‌های ناشی از فقر ایشان خواهد افزود. بی‌شک وظیفه سیاست‌گذارانی که مسئولیت

طراحی شیوه‌های حمایتی برای اقشار کم درآمد را بعهده دارند- به دلیل تنوع و گستردگی فقر و مشکلات مربوط به کمی نمودن عواقب سیاست‌های اصلاحی- دشوار است.

به منظور تدارک منابع لازم برای انجام هزینه‌های عمومی ضروری، سیاست‌های مالی دولت باید بر استقرار یک سیستم مالیاتی کارآ و دارای منابع گسترده وصول مالیات متمرکز شود. با این وجود، توجه به این نیاز که قدرت خرید اقشار فقیرتر جامعه باید مورد حمایت قرار داشته باشد، صندوق را بر آن داشته که ضمن اجتناب از افزایش مالیات بر کالاهای اساسی (نظیر مواد غذایی) این گونه کالاها را از مالیات بر مصرف یا عوارض دیگر نیز معاف کند. هم چنین در این برنامه‌ها می‌توان پرداخت خسارات مالی و یا سایر پیش‌بینی‌های لازم جهت یاری رسانیدن به آنانی را که در اثر کاهش هزینه‌های بخش دولت بیکار می‌شوند، برای یساختن

شیوه‌های دیگر امرار معاش ایشان گنجانید. در برنامه‌های اصلاحات اقتصادی هم چنین می‌توان بودجه هزینه‌های خدمات اجتماعی نظیر بهداشت و آموزش را برای اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه مورد حمایت قرار داد.

اثرات ناشی از قیمت‌های بالای مواد غذایی را می‌توان از طریق تامین اقلام غذایی مهم باقیمت‌های رسمی تثبیت شده به اقشار مشخص و کاملاً تعریف شده جذب کرد و سوبسید پرداخت شده به شرح فوق را نیز از محل بودجه دولت تامین کرد. بار ناشی از افزایش قیمت‌ها شامل مالیات‌های بالاتر برای اقلامی نظیر بنزین را می‌توان بر گروه‌های با درآمد بالاتر تحمیل کرد تا بدینوسیله بخشی از بودجه مورد نیاز برای پرداخت سوبسید مورد نظر فراهم آید.

● **جبران صدمات ناشی از اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی نوعاً هزینه‌های دیگری نظیر مزایای پایان خدمت کارکنان دولت را نیز در برمی‌گیرد.**

● **معمولاً تامین مالی پروژه‌های مربوط به رفع آثار ناشی از تعدیل‌های اقتصادی بر گروه‌های فقیر و کم‌درآمد، افزایش قیمت‌ها و مالیات‌ها را ایجاب می‌کند.**

در مواردی این امکان نیز وجود دارد که برای اقشار کم درآمد اقلامی از مواد غذایی باقیمت نازل تر را، که در عین حال از ارزش غذایی بالاتری نیز برخوردار باشد، توزیع کرد، نظیر شکر قهوه‌ای به جای شکر سفید و نان سبوس‌دار به عوض نان بدون سبوس، به این ترتیب بار ناشی از سوبسیدها نیز تقلیل خواهد یافت. جبران صدمات ناشی از اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی نوعاً هزینه‌های دیگری نظیر مزایای پایان خدمت کارکنان دولت را نیز در برمی‌گیرد. در صورت عدم امکان افزایش منابع بودجه از محل مالیات‌های جدید، استقراض از خارج و یا کاهش سایر هزینه‌های عمومی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

● **اقدامات مرتفع کننده فشارهای اقتصادی**

ظرف دو سال اخیر بسیاری از طرح‌های

اصلاحی اقتصادی که باجماعت صندوق اجرا شده است شامل اقداماتی در جهت محافظت از اقشار کم درآمد و صدمه دیده بوده است. این گونه اقدامات الزاماً توسط صندوق طراحی نمی‌شود، بلکه در چهارچوب بودجه‌ای که باصندوق مورد مذاکره قرار می‌گیرد، به نحوی گاه‌لا‌منتسجم گنجانیده می‌شود. این گونه اقدامات بعضاً تحت تاثیر خواست‌های مقامات کشور عضو، که در نظر دارند آثار نامطلوب ناشی از اجرای برنامه‌های اصلاحی را برای گروه‌های بانفوذ (نظیر کارکنان دولت، هر چند که این افراد از قشرهای کم درآمد و فقیر هم محسوب نشوند) مرتفع سازند و هم چنین در مواردی به دلیل دردسترس بودن منابع مالی از خارج یا داخل کشور، دستخوش تغییراتی قرار می‌گیرند.

در موارد بسیار، وجوه دریافتی از خارج کشور اختصاصاً جهت پشتیبانی از برنامه‌های حمایت از اقشار کم درآمد در دوران اصلاحات حذف می‌شود.

● **چگونگی ترکیب پهیاست‌ها**

معمولاً تامین مالی پروژه‌های مربوط به رفع آثار ناشی از تعدیلات اقتصادی بر گروه‌های فقیر و کم درآمد، افزایش قیمت‌ها و مالیات‌ها را ایجاب می‌کند. در پارهای موارد آثار این اقدامات بر اقشار مورد نظر با بیکارگیری ترکیبی از سیاست‌های عادلانه به حداقل کاهش می‌یابد. برای مثال در اردن، پس از کاهش ارزش پول در سال ۱۹۸۹، بهای اقلام مهم مصرفی افزایش نیافته و بلکه منابع درآمدی مورد لزوم جهت پرداخت سوبسید به این اقلام از محل درآمدهائی که طبقات مرفه‌تر جامع تامین کننده آن بودند، فراهم شد. در گینه، به منظور جبران بخشی از افزایش قیمت مربوط به برنج و فرآورده‌های نفتی که در نتیجه کاهش ارزش پول صورت پذیرفته بود، افزایش حقوق یکنواختی به کلیه کارکنان دولت اعطاء شد که عملاً قدرت خرید صاحبان درآمدهای پائین را دو برابر ساخت.

در سریلانکا، حذف سوبسیدها، از طریق تعدیل قیمت‌های کنترل شده، به تدریج در طول سال ۱۹۸۹ صورت پذیرفت. به گونه‌ای که سوبسید مربوط به آرد گندم در طول یکسال و سوبسید برنج در مدت شش ماه حذف شدند.

همزمان با این اقدام بر عوارض گمرکی مربوط به توتون و اقلام لوکس نیز افزوده شد.

بهر تقدیر از آنجائی که هزینه پارهای طرح‌های جبرانی برای افراد کم درآمد رقمی معادل ۳٪ تولید ناخالص داخلی (۵) را تشکیل می‌داد، ضرورت انتخاب دقیق‌تر گروه‌های کم درآمد به منظور کاستن از بار بودجه دولت آشکارتر شد. اخیراً مقامات دولت موزامبیک باهدف جبران بخشی از بار ناشی از افزایش قیمت‌ها تصمیم گرفتند که به کم‌درآمدترین اقشار شهرنشین هزینه نقدی پرداخت کنند.





● هر چند صندوق بین‌المللی پول کشورهای عضو را در طراحی چهارچوب‌های مناسب اقتصاد کلان یاری می‌دهد، معهدا گزینش راه کارها و طبعا پذیرش نتایج اجتماعی آنها به‌عهده خود کشورها است.

سه‌می‌بندی و هدف‌گیری کمک‌های دولت

به منظور غلبه بر پیامدهای نامطلوب تغییر قیمت‌های نسبی، هدف‌گیری دقیق‌تر در پرداخت کمک‌های دولت برای کالای اساسی در برنامه‌های صندوق منظور شده است.

برای نمونه، در سال ۱۹۸۹ در کشور موزامبیک سیستم سه‌می‌بندی مواد غذایی، به منظور کمک‌رسانی به کارگران فصلی و غیردائمی در شهرها و همچنین جمعیت کثیری از روستائیان، مورد استفاده قرار گرفت که منابع آن نیز در بودجه کشور منظور شده بود.

علاوه بر آن برای اطمینان از دسترسی ساکنین مناطق روستائی به کالاهای مصرفی کنترل‌های ویژه‌ای نیز بر توزیع کالا اعمال شد. در کشور ونزولا برنامه‌های حمایت از اقشار کم درآمد شامل سیستم دقیق و گسترده‌ای است که در آن هفت قلم از کالاهای عمدتاً مورد نیاز طبقات کم درآمد شامل، آرد ذرت، برنج، رشته، ساردین، شیرخشک، خوراک دام و کودشیمیائی، مشمول پرداخت سوبسید می‌شود. به هر صورت در اکثر موارد سیاست‌گذاران در نظر دارند که این کمک‌ها را به صورت موقتی تامین کنند تا اقتصاد کشور به اندازه کافی رونق یافته‌و گروه‌های کهدرآمد شامل، آرد ذرت، برنج، رشته، ساردین، شیرخشک، خوراک دام و کودشیمیائی، مشمول پرداخت سوبسید می‌شود. بهر صورت در اکثر موارد سیاست‌گذاران در نظر دارند که این کمک‌ها را به صورت موقتی تامین کنند تا اقتصاد کشور به اندازه کافی رونق یافته و گروه‌های کهدرآمد این فرصت را به دست آورند که درآمدهای واقعی خود را ارتقاء بخشند.

بعنوان نمونه دیگری از پرداخت کمک‌های جهت‌گیری شده، می‌توان برنامه موقت اعطای سوبسید برای هزینه‌های جابه‌جائی و حمل و نقل اقشار کهدرآمد و شهرنشین در کشور گینه را نام برد که به منظور جبران افزایش قیمت سوخت به اجراء درآمده است.

مشابه این اصل برای مصارف برق در بولیوی به کار گرفته شده است. در این کشور با اعمال نرخ‌های بالاتر بر مصارف تجارتي و خانگی پس از میزان معینی از مصرف، طبقات کهدرآمد از بارهزینه‌های بالای برق معاف می‌شوند.

هزینه‌های دولت برای خدمات اجتماعی

در تعداد زیادی از کشورها برای تعدیل آثار منفی کوتاه مدت اصلاحات اقتصادی بر افراد کهدرآمد از طریق افزایش در هزینه‌های اجتماعی بودجه دولت اقدام شده است. این مساعی شامل بازسازی مراکز بهداشتی روستائی، توسعه خدمات بهداشتی روستائی، ارتقای پرسنل شاغل در سیستم بهداشت عمومی، تامین مسکن ارزان قیمت، و تقویت تجهیزات پشتیبانی از فعالیتهای کشاورزی می‌شود. در پاره دیگری از کشور تاکید

ویژه‌ای برتحصیلات ابتدائی و پایهای مبدول شده است.

برای مثال در کشور مالوی به موجب برنامه سعی می‌شود که دسترسی دختران به تحصیلات فزونی یافته و از تعداد دانش‌آموزانی که به دلیلی ترک تحصیل می‌کنند، کاسته شود. به علاوه طرح‌های دیگری نظیر ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق استخدام در بخش عمومی برای افراد فقیر و کهدرآمد، اشتغال مجدد کارکنان بخش دولتی که در طی برنامه‌های اصلاحات اقتصادی شغل خود را از دست داده‌اند، و تقدیه افرادی که در دوران اجرای سیاست‌های مالی انقباضی دچار مشقت می‌شوند، نیز در اینگونه برنامه‌ها گنجانیده شده است. اقدامات حمایتی دیگر که سطح رفاه خانوار را ارتقاء می‌بخشند، نظیر کنترل موالید و تنظیم خانواده، نیز در تعدادی از کشورها به یاری گرفته شده‌اند.

چگونگی تعدیل آثار نامطلوب برنامه‌های اصلاحات اقتصادی

روش‌های متنوعی که تشریح شد نشانگر عکس‌العمل دولتها نسبت به مقوله فقر در چهارچوب برنامه‌های تثبیت شرایط اقتصادی صندوق بوده و دربرگیرنده نگرش اولیه و عمومی به موضوع تعدیل آثار مستقیم برنامه اقتصادی، نظیر افزایش قیمت‌ها و کاهش در اشتغال بخش

عمومی و سوبسیدها، بر گروه‌های ویژه‌ای از افراد کهدرآمد می‌باشد.

محدودیت‌های برخی از این نگرش‌ها به سادگی قابل تشخیص است. برای مثال رفع عواقب ناشی از کاهش نیروی انسانی در بخش عمومی را می‌توان اینگونه توجیه کرد که کارکنان بخش عمومی، به ویژه در آفریقا، دارای بعد خانوار بسیار گسترده و تعداد زیادی افراد تحت تکفل هستند. از جانب دیگر، کارکنان بخش‌های غیر رسمی در مناطق شهری و روستائی ممکن است تحت تاثیر آثار افزایش قیمت‌های ناشی از برنامه‌های اصلاحی به میزانی حتی بیشتر از کارکنان بخش عمومی متحمل صدمه شوند. هم‌چنین طرح‌های ایجاد اشتغال عمومی نیز ممکن است تنها بخش کوچکی از فقیرترین گروه‌ها را پوشش داده و گروه‌های وسیع‌تری از مزدبگیران روستائی را که به چنین طرح‌هایی دسترسی ندارند، به فراموشی سپارد. حفظ هزینه‌های خدمات اجتماعی در بودجه دولت حائز اهمیت فراوان است، لیکن متعاقب اجرای برنامه اصلاحات اقتصادی باید چگونگی توزیع این هزینه‌ها نیز مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد. برای مثال، در صورتی که این احتمال وجود داشته باشد که سطح فقر در مناطق روستائی و محروم گسترش یابد، انتقال بودجه‌های دولتی از مراکز بهداشتی بزرگ در شهرها به تاسیسات

بهداشتی اولیه و پایهای در این مناطق موجه به نظر می‌رسد.

ضرورت اقدام نهادن به فراسوی برنامه‌های اجتماعی کلی و حمایت از اقدامات تعدیل نسبی فشارهای اقتصادی به نگرش‌های موثرتر و روشن‌تری منجر شده است که کوشش دارد گروه‌های کهدرآمدی را که بیشترین لطمات را از برنامه‌های اصلاحی صندوق متحمل می‌شوند، شناسایی کند. در این زمینه چالش اصلی کوششی است که به منظور ردیابی آثار و عواقب ناشی از سیاست‌های اقتصاد کلان بر اقشار کهدرآمد در سطوح خود مشاهده می‌شود.

دست یابی به اطلاعات ضروری برای تشخیص افراد کهدرآمد و اقلام مورد مصرف آنان اولین اقدام محسوب می‌شود. در کشورهای که اکثریت شهروندان آن را فقرا تشکیل می‌دهند، تحت شرایط موجود از نظر محدودیت بودجه، ضرورت دارد که فقیرترین و نادارترین اقشار برای برخورداری از حمایت‌های فوری شناسایی شوند.

در این راستا، در ستاد صندوق بین‌المللی پول کوششی آغاز شده است تا به وسیله آن با استفاده از اطلاعات رسمی و همچنین منابع اطلاعاتی مرتبط با سازمان‌های غیردولتی و مؤسسات بین‌المللی دیگر، پایگاه اطلاعاتی برای شناسایی تصویر کلی از وضعیت فقر در کشورهای عضو تشکیل داده شود.

قدم دوم کمی نمودن آثار سیاست‌های اصلاحات اقتصادی بر گروه‌های کهدرآمد و شناسایی روش‌هایی است که بدون ترتیب می‌توان با بهبود برنامه‌ها آثار مزبور را به حداقل رسانید.

برای نمونه، هرگاه مشخص شود که در نتیجه افزایش بهای اقلام اساسی مواد غذایی نظیر برنج و روغن نباتی، میزان مصرف افرادی که در حد زیست امرامعاش می‌کنند فرسواً ۲۰٪ تنزل خواهد کرد. این امکان وجود دارد که راحل‌های متعدد جهت کاهش و تعدیل این آثار در طراحی برنامه‌ها منظور شود. ابتدا اینکه اگر منابع مالی فراهم باشد می‌توان بهای اینگونه کالاها را با تخصیص بودجه برای سوبسیدهای آشکار حفظ کرد و در عین حال سوبسید مربوط به اقلام غیرضروری را حذف یا کاهش داد. از آنجائی که گروه‌های مرفه‌تر نیز از این سوبسیدها برخوردار خواهند شد، این روش ممکن است دارای کارائی لازم نباشد. در قدم بعد کنترل بر قیمت اینگونه اقلام را نیز با استقرار طرحی هدفدار برای تأمین کالاهای مورد مصرف نیازمندترین افراد می‌توان حذف کرد. راحل دیگر این است که برای گروه‌های مورد نظر برنامه‌هایی برای حفظ سطح درآمدشان طراحی و به اجرا گذاشته شود، نظیر بن‌هایی که به جای پول قابل استفاده برای خرید اقلام غذایی باشد.

هرگاه برنامه مربوط به ایجاد چتر حمایت‌های اجتماعی به خوبی طراحی شود، این امکان نیز

*** در ستاد صندوق بین‌المللی پول کوششی آغاز شده است تا به وسیله آن با استفاده از اطلاعات رسمی و همچنین منابع اطلاعاتی مرتبط با سازمان‌های غیردولتی و موسسه‌های بین‌المللی دیگر، پایگاه اطلاعاتی برای شناسایی تصویر کلی از وضعیت فقر در کشورهای عضو تشکیل داده شود.**

روش در آن است که سیاست‌های پولی و مالی برای تحقق اهدافی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که به یاری کاهش ارزش پول به نحوی موثرتر امکان‌پذیر می‌باشد و دیگر آن که در نتیجه بکارگیری این شیوه تقاضای داخلی به میزانی بیش از آنچه ضروریست، تنزل می‌یابد که این رویداد نیز تسهلات نامطلوب در زمینه رشد اشتغال به دنبال دارد.

نکته آخر اینکه کالاهای تأمین شده از محل کمک‌ها را می‌توان مابین فقیرترین اقشار توزیع کرد. این امر افزایش قیمت پارامی از کالاهای قابل مبادله و قابل صدور را تعدیل می‌کند، لیکن انگیزه تولید داخلی را نیز کاهش داده و در بلندمدت سطح تولیدات داخلی را تقلیل خواهد داد.

تقریباً شکی وجود ندارد که اتخاذ پارامی طرح‌ها جهت مرتفع کردن آثار کوتاه‌مدت اصلاحات اقتصادی بر افراد کهدرآمد روند تثبیت شرایط اقتصادی و رشد آتی را، به صورتی که ردیابی آثار آن نیز دشوار می‌باشد، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. البته این نگرانی نیز وجود دارد که انتخاب پارامی سیاست‌های اقتصادی در سطح کلان بار ناشی از اصلاحات اقتصادی بر طبقات فقیر جامعه را دستخوش تغییر نماید. در هر صورت اجرای طرح‌هایی که سطح بهداشت و تغذیه را در بین اقشاری که در حد زیست قادر به امرامعاش هستند حفظ می‌کند، نه تنها از نظر روانی الزامی است بلکه هم چنین پذیرش اجتماعی وسیعی را که برای توفیق اصلاحات اقتصادی ضروری است، تقویت می‌کند. □

وجود خواهد داشت که برای هر دو مرحله اصلاحات اقتصادی از جانب منابع خارجی کمک‌هایی اعطاء شود.

در غیر این صورت اقدامات مالی دیگر نظیر وضع مالیات‌های بیشتر برای نیل به اهداف اقتصادی در سطح کلان باید به اجرا گذارده شود.

این گونه مالیات‌ها را می‌توان بر کالاهایی که مورد مصرف گروه‌های غنی‌تر قرار دارند اعمال کرد. لیکن باید توجه داشت که برای انتقال منابع مالی از این اقشار راحل‌ها و گزینه‌های محدودی وجود دارد.

روش امکان‌پذیر دیگر برای کاهش سطح تقاضا و تغییر در قیمت‌های نسبی، استفاده از سیاست‌های پولی و مالی انقباضی‌تر تسام با کاهش ارزشی ملایم‌تر در نرخ برابری پول است. این شیوه روند افزایشی کندتری را بر قیمت‌ها به دنبال خواهد داشت، لیکن مهمترین نارسائی این

● به منظور غلبه بر پیامدهای نامطلوب تغییر قیمت‌های نسبی، هدف‌گیری دقیق‌تر در پرداخت کمک‌های دولت برای کالاهای اساسی، در برنامه‌های صندوق منظور شده است.

*** هرگاه برنامه مربوط به ایجاد چتر حمایت‌های اجتماعی به خوبی طراحی شود، این امکان نیز وجود خواهد داشت که برای هر دو مرحله اصلاحات اقتصادی از جانب منابع خارجی کمک‌هایی اعطا شود**



پانوش

- 1- INTERNATIONAL MONETARY FUND
- 2- EXCHANGE RATE DEVALUATION
- 3- REAL INCOME
- 4- TRADABLES
- 5- GROSS DOMESTIC PRODUCTION (GDP)